

Quarterly Journal of Village and Space Sustainable Development

Summer 2022, Vol.3, No.2, Serial Number 10, pp 89 -104

doi 10.22077/VSSD.2022.5199.1096



Obstacles to the development of production cooperatives in border areas with a social and economic approach

Nabi Omidi^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Management, payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

*Corresponding author, Email: nabiomidi@gmail.com

Keywords:

Production, economic and social cooperatives, border, village, development

Abstract

The purpose of this study is to identify, explain and measure the obstacles to the development of production cooperatives in border areas with a social and economic approach. This research is quantitative and its nature and purpose are practical and in terms of data collection is also a survey. In this study, 25 obstacles were identified regarding the underdevelopment of production cooperatives at the borders. which after using factor analysis, the Kaiser criterion was used to determine the number of factors. Based on this criterion, 4 factors (Individual, social and cultural factors, administrative and supportive factors, financial and economic factors, security and political factors) with a specific value of more than 1 were identified and identified as extractable factors. According to the statistical indicators using the main factor analysis method, these 4 factors could explain a total of %92.672 of the total variance of the variables. The results showed that Individual, social and cultural factors with a total factor load of 6.055, administrative and supportive factors with a total factor load of 4.711, financial and economic factors with a total factor load of 2.928 and security and political factors with a total factor load of 1.407, Respectively, the most important obstacles are the development of production cooperatives at the borders. Therefore, it is suggested that for the development of production cooperatives in border areas, given the specific conditions of these areas, a multidimensional perspective should be considered.

Received:

12/Mar/2022

Accepted:

08/Mey/2022

How to cite this article:

Omidi, O. (2022). Obstacles to the development of production cooperatives in border areas with a social and economic approach. *Village and Space Sustainable Development*, 3(2), 89 - 104. 10.22077/VSSD.2022.5199.1096





فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره سوم، شماره دوم، پیاپی دهم، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۰۴ - ۸۹

doi: 10.22077/VSSD.2022.5199.1096

موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی با رویکرد اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی: شهرستان‌های مهران و دهلران در استان ایلام)

نبی امیدي*

۱. استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، ایمیل: nabiomidi@gmail.com

چکیده

هدف از انجام این پژوهش شناسایی و تبیین و سنجش موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی با رویکردی اجتماعی و اقتصادی است. این پژوهش، کمی و ماهیت و هدف آن کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها نیز پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش ۲۵ متغیر به‌عنوان موانع توسعه نیافتگی تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی شناسایی شدند که پس از به کار بردن تحلیل عاملی، برای تعیین تعداد عوامل از ملاک کیسر استفاده شد. برپایه این ملاک، ۴ عامل (عوامل فردی و اجتماعی و فرهنگی، عوامل اداری و حمایتی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل امنیتی و سیاسی) دارای ارزش ویژه بالای ۱ شناسایی و به‌عنوان عوامل قابل استخراج تعیین شدند. با توجه به شاخص‌های آماری با استفاده از روش تحلیل عوامل اصلی، این ۴ عامل در مجموع ۹۲٫۶۷۲ درصد از واریانس کل متغیرها را توانستند تبیین کنند. نتایج پژوهش نشان داد عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی با مجموع بار عاملی ۶٫۰۵۵ عوامل اداری و حمایتی با مجموع بار عاملی ۴٫۷۱۱، عوامل مالی و اقتصادی با مجموع بار عاملی ۲٫۹۲۸ و عوامل امنیتی و سیاسی با مجموع بار عاملی ۱٫۴۰۷ به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی می‌باشند. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود برای توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی با توجه به شرایط خاص این مناطق، باید دیدگاهی چندبعدی داشت.

واژگان کلیدی:

تعاونی تولیدی، اقتصادی و اجتماعی، مرز، روستا، توسعه

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۲/۱۸

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر حرکت از رویکردهای مبتنی بر دیدگاه‌های نظامی - امنیتی به دیدگاه‌های مبتنی بر نیروهای اجتماعی و اقتصادی جهت تضمین امنیت در مناطق مرزی را شاهد بوده‌ایم این دیدگاه‌های نوین در زمینه حفظ و گسترش امنیت شهرهای مناطق مرزی بر اهمیت و ضرورت راهبرد توسعه پایدار مناطق مرزی تأکید دارند (تاجری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۴-۸۹). توسعه و پیشرفت مناطق مرزی در حوزه‌های اقتصادی و حتی سایر حوزه‌ها، نیازمند سرمایه‌گذاری است. به عبارتی، رشد و توسعه اقتصادی بدون انباشت سرمایه‌گذاری، امکان‌پذیر نخواهد بود، به گونه‌ای که بیشتر متفکران، دلیل توسعه نیافتگی بسیاری از کشورها را کمبود درآمد، پس‌انداز و در نتیجه، سرمایه‌گذاری ناکافی می‌دانند. سرمایه می‌تواند بخش تولید را تحرک ببخشد و با افزایش تولید، موجب رشد تجارت، بهبود سطح زندگی مردم و رشد و توسعه اقتصادی شود (محمد پور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۱۱).

مرزها تاکنون کارکردهای مختلفی به خود گرفته‌اند و به مرور زمان این کارکردها تضعیف و یا تقویت شده و یا تغییر کرده است به محض اینکه یک منطقه مرزی و یا خط مرزی به وجود می‌آید می‌تواند نه تنها منظره طبیعی را که جزئی از آن به شمار می‌رود بلکه عمران و سیاست‌های کشورهای مجاور را تحت تأثیر قرار دهد (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶۸-۱۴۰). بیکاری و نبود زیرساخت‌های لازم، یکی از اصلی‌ترین دلایل محرومیت و در نتیجه مهاجرت از مناطق مرزی و گاهی روآوری افراد ساکن به اشتغال‌های کاذب است که دارای مخاطرات امنیتی نیز می‌باشد (حسینی نیا و زراعت کن، ۱۳۹۷: ۱۳۸-۱۲۵). در مناطق مرزی ساکنان به دلیل محدودیت‌های مختلف با کمبود گزینه‌های معیشتی هم مواجه هستند که باعث شده خانواده‌ها برای تأمین معاش، فعالیت معیشتی روزمره خود را رها و به دنبال جایگزینی برای آن باشند (بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۰-۱۲۷). آمایش مناطق مرزی و سازمان‌دهی فضایی مناطق مرزی، به منظور بهره‌برداری مطلوب و مناسب از مزیت‌های این مناطق در راستای منافع ملی و در چهارچوب توسعه اقتصادی کشور، از طریق توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در پهنه جغرافیایی مناطق مرزی را تأکید می‌کند (صدیق و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲-۱). امروزه اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته بر محور کسب و کارهای کوچک و متوسط استوار است. علاوه بر این، شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند نقش مهمی در جذب نیروی کار مازاد که ناشی از فعالیت‌های خصوصی‌سازی است، داشته باشند. متأسفانه با وجود برنامه‌های توسعه‌ای شاهد پیشرفت چشمگیری در زمینه کارآفرینی در کشور نیستیم و دلیل آن نبود یک رهیافت جامع‌نگر در نظام ملی توسعه کارآفرینی در کشور است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸-۳۹). هدف از این پژوهش، شناسایی موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی با توجه به شرایط خاص این مناطق و مناسبات حاکم بر آن، با تأکید بر رویکرد اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

۲- بنیان نظری‌ای

تقویت کارآفرینی در جامعه اهمیت زیادی داشته و بر مبنای پژوهش‌ها این امر می‌تواند عامل بسیار مهمی برای رشد اقتصادی باشد. مطالعات تجربی نیز نشان داده که تفاوت‌های موجود در نرخ رشد اقتصادی از طریق تفاوت‌های نرخ کارآفرینی قابل تبیین است (Russel and et al, 2008: 429-438). اگرچه کارآفرینی خصوصی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم مرزی و روستایی نیست، اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. اقتصاددانان این امر را مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی روستاها دانسته و سیاست‌مداران آن را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی‌ها در مناطق مرزی و روستاها می‌دانند (Elenurm and et al, 2012: 62-75). همچنین کشاورزان و روستاییان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش (Laukkanen, 2003: 372-382)؛ و زنان، آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل

سکونت خود که می‌تواند خودکفایی، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آنان را در پی داشته باشد، می‌داند. شرکت‌های کوچک و متوسط از طریق کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تأثیرگذار هستند و همچنین راحت‌تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریع‌تر واکنش نشان دهد. توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کارآفرین، ابزاری نیرومند برای شناخت فرصت‌هایی است که بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند باعث رفع مشکلاتی همچون اشتغال، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، پایین بودن بهره‌وری، کاهش کیفیت محصول‌ها و خدمات، رکود اقتصادی و افزایش رقابت شود (Landstrom, 2015:137-154). کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بیشتر از صنایع بزرگ، کاربرمحور هستند و به همین سبب برای ایجاد مشاغل جدید به هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری اندکی نیاز دارند، بنابراین، عمده منفعت رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مربوط به کمک این نوع کسب‌وکارها به بخش استخدام و اشتغال است (Thurik, 2003: 264-290). این نوع کسب‌وکارها به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص خود و نیز به دلیل سهم مهمی که در میزان اشتغال در کشورها و افزایش رشد و توسعه اقتصادی جوامع دارد، برای دولت‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار هستند (Svetlicic and et al, 2017: 214-239). بنگاه‌های کوچک با هزینه‌های عمومی کم و ظرفیت محدود ماشین‌آلات، انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. این صنایع با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم و همکاری‌های نظام‌مند با یکدیگر، ضمن دستیابی به شاخص‌های تولید انبوه، از مزیت‌های کسب‌وکارهای کوچک همچون نوآوری و تنوع نیز برخوردارند.

بر اساس دیدگاه‌های نوین، با گسترش سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی و به‌طور کلی دستیابی به توسعه پایدار در مناطق مرزی می‌توان امنیت پایدار را در این مناطق تضمین نمود در ارتباط با چالش‌های توسعه پایدار مرزی، رویکردها نوین چالش‌ها را از دیدگاه سیستم‌های حکمروایی، اقتصادی، توسعه‌ای، اجتماعی و زیست‌محیطی بیان می‌کنند که برای فائق آمدن بر چالش‌های مسیر توسعه، لازم است که موضوعاتی همانند پایداری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی در شهرهای مرزی به‌صورت جدی مطرح شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴-۱۹). ریشه بسیاری از مشکلات امنیتی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در داخل کشور را باید در مرزها جستجو کرد (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۸-۱۴۱) هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید (حافظ نیا و جان‌پور، ۱۳۹۶: ۷۶). نواحی مرزی به‌واسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه‌نیافتگی، تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از سطح رفاه و توسعه در مقایسه با مراکز عمده جمعیتی را دارند که این تفاوت‌ها منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه به نفع مرکز می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۰، ۲۳-۱۲).

از جمله عواملی که می‌تواند ثبات و پایداری نسبی را در مناطق مرزی ایجاد کند و تنش و منازعه را دست‌کم در حوزه فقر و محرومیت اقتصادی بکاهد، توسعه همگن و سازمان فضایی بهینه در مناطق مرزی است (Perkamann, 2003: 156-167). بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران، توسعه کارآفرینی را به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد اقتصادی، اشتغال و بهره‌وری و راه‌حلی برای مشکل بیکاری در نظر گرفته‌اند (Khattab and Almagli, 2017: 33-51). در هر اقتصادی، کارآفرینی نقش مهمی در شکل دادن به فرصت‌ها و همچنین، یافتن نتیجه بهتر از شروع کارهای جدید دارد (Bronsenko and Bosckma, 2017: 24). عدم توجه به نواحی پیرامونی به‌ویژه مناطق مرزی در طول تاریخ در روند توسعه‌ای این نواحی اختلال ایجاد کرده است و باعث کمبودهای بالقوه از جمله فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه در این نواحی استراتژیک شده و زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون قاچاق کالا، مهاجرت، شورش و ناامنی را فراهم کرده است (ذکی و پاشالو، ۱۳۹۲: ۲-۴). کسب‌وکارهای کوچک

به‌واسطه سادگی در ساختار سازمانی، از انعطاف‌پذیری فراوانی در برابر تغییرات و سرعت قابل قبولی در انجام فعالیت‌ها برخوردارند (Wilkinson and Brouthers, 2020: 20-35). علاوه بر این، بنگاه‌های کوچک و متوسط، عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش نیروی کار ماهر هستند و تأمین نیروی انسانی متخصص برای شرکت‌های بزرگ، به‌وسیله آن‌ها انجام می‌شود. بر اساس تجارب بسیاری از کشورها، شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند بنیان توسعه اقتصادی و منطقه‌ای باشند و زمینه را برای بسیج منابع کشور فراهم کنند که نتیجه آن، افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در سطوح ملی و منطقه‌ای است. توسعه روستایی از پایه‌های اولیه و مهم توسعه ملی هر کشور محسوب می‌شود. ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک یکی از رویکردهای بسیار مناسب برای توانمندسازی روستاییان می‌باشد (Fairbairn and et al, 2018: 245-257). در دهه‌های اخیر در تحقیقات توسعه‌ای اعم از تحقیقات اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیک به مناطق مرزی و تأثیرات مرزی توجه بسیار صورت گرفته است. این رغبت و علاقه وافر به مناطقی که در امتداد مناطق مرزهای همگرایی کشورها قرار گرفته‌اند به‌طور مشخص از این تصور نشأت گرفته که این مناطق جغرافیایی ویژه ممکن است موجب ایجاد، سازگاری و همسانی اقتصادی در همگرایی بین کشورها گردند (Niebuhr, 2015: 15-34). شواهد زیادی وجود دارد که باگذشت زمان، مرزهای سیاسی بخش عظیمی از کارکردشان را به‌عنوان مانع از دست‌داده و تعاملات و همکاری‌های میان مرزی و شهرهای پیرامونی به‌طور روزافزون از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند. امروزه در این حالت مرز نه تنها مانع و خط جدایی و فاصله نیست بلکه به‌عنوان منطقه تماس، به فضایی کارکردی برای تبادلات و تعاملات اقتصادی، اجتماعی فرامرزی تبدیل شده و اثرات مثبت خود را تا شعاع زیاد در مناطق و شهرهای مجاور به‌طور پایدار بر جای می‌گذارد.

به‌عبارت‌دیگر، در دو دهه اخیر، دگرگونی عظیمی در مفهوم مرزها به وجود آمده، به‌طوری‌که مفهوم آن از یک خط به یک منطقه، از فیزیکی به فرهنگی و از فضایی به کارکردی و نفوذناپذیری به نفوذپذیری بدل شده است. وضعیت خاص جغرافیایی استان‌های مرزی و برخی شرایط اجتماعی سیاسی دیگر در این استان‌ها، حکایت از وجود شکاف‌های عمیق میان این مناطق و دیگر مناطق کشور دارد.

تغییر سریع و گسترده فناوری تولید در دهه‌های اخیر و فاصله گرفتن از تولید انبوه در صنایع بزرگ و گرایش به سمت تولید انعطاف‌پذیر در صنایع کوچک و متوسط، هرچند توانایی رقابت فعالیت‌های صنعتی کوچک را افزایش داده و منجر به انتقال فعالیت‌های اقتصادی از صنایع بزرگ به سمت صنایع کوچک‌شده، لیکن این موضوع به معنای حذف اقتصادی از صنایع بزرگ و جایگزینی آن با کوچک نبوده، بلکه روند حرکت، به‌سوی تعامل هر چه بیشتر این دو با یکدیگر و در قالب یک زنجیره تولید بوده است (Laukkanen, 2003: 372-382). به‌گونه‌ای که تقسیم‌کار میان صنایع کوچک و بزرگ به شکلی صورت پذیرفته که آن‌ها به‌جای رقابت با هم، یکدیگر را کامل می‌کنند. بر همین اساس رویکردهای حمایت از بنگاه‌های کوچک تولیدی به‌ویژه حمایت‌های مالی در اقتصاد ایران باید با لحاظ کردن فضای اقتصاد کلان و جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کل اقتصاد موردبررسی و ارزیابی قرار گیرد. ساختار اقتصادی برای پاسخ به این عوامل، واکنش‌هایی نشان داده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به جابه‌جایی آن به‌سوی اهمیت بیشتر شرکت‌های کوچک و متوسط اشاره کرد (Thurik, 2003: 264-290). تعداد ۱۹ میلیون از این شرکت‌ها در سرتاسر اتحادیه اروپا وجود دارند. این تعداد تشکیل دهنده بیش از ۹۹ درصد کل شرکت‌ها در بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند، که تولیدکننده سهم قابل توجه و مهمی از تولید ناخالص داخلی اروپا می‌باشند (گروه سیاست‌گذاری تجارت الکترونیک، ۲۰۱۲). کمیسیون اروپا کسب‌وکارهای کوچک را زیرساخت

¹ E-Business policy group

اقتصاد اروپا می‌داند. دولت استرالیا نیز اعتقاد دارد که کسب‌وکارهای کوچک را باید «خانه‌های قدرت»^۱ اقتصاد بالقوه نامید. زیرا ۵ میلیون نیروی کاری دارند که خود، منبعی اصلی برای اشتغال به حساب می‌آید (اداره ملی اطلاعات اقتصادی^۲، ۲۰۰۲).

مسائل مربوط به توزیع ثروت، قدرت و منزلت در این مناطق جدی است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۹-۲۹). در ارتباط با موضوع تحقیق، مطالعاتی در داخل و خارج کشور صورت پذیرفته است که اهم مطالعات به شرح زیر است:

محسن حیدری، علی بدیع زاده و کامبیز حیدر زاده (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان، طراحی مدل توسعه اکوسیستم کارآفرینی در مناطق مرزی (مورد مطالعه استان کردستان)، با پانزده نفر از سیاست‌گذاران کارآفرینی استان، اساتید دانشگاه و صاحبان شرکت‌های دانش‌بنیان مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام دادند و نتیجه گرفتند، مدل توسعه اکوسیستم کارآفرینی در استان کردستان دربرگیرنده ۷ متغیر سرمایه اجتماعی، سرمایه مالی، سیاست، بازار، سرمایه‌گذاری، حمایت و فرهنگ می‌باشد.

ولی اله رستم علی زاده و قربان حسینی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان موانع سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در مناطق مرزی روستایی ایران نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که موانع سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی روستایی کشور، در چهار بخش اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، نهادی و کالبدی و دسترسی قرار دارند. در بخش اقتصادی (دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و اقتصادی، خام فروشی و نبود امکانات فرآوری محصولات تولیدی روستایی، مشکلات بازاریابی و دسترسی به بازارهای فروش و برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی / سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید در مرز) قرار دارند. در بخش اجتماعی- فرهنگی (بازدهی پایین و ضعف آموزش و توانمندسازی روستایی) قرار دارد. در بخش نهادی (مشکلات نهادی و قانونی در خصوص کسب مجوزهای لازم و ناهماهنگی دستگاه‌های محلی و استانی، مشکلات مربوط به کمبود زمین و عدم تغییر کاربری اراضی، برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی / سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید و بن بست‌های مرزی و مسائل بازارچه‌ها) قرار دارد. در بخش کالبدی و دسترسی (ضعف در تسهیلات و زیرساخت‌های روستاهای مناطق مرزی به خصوص جاده‌های دسترسی) قرار دارد.

حسینی نیا و زراعت کن (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان، شناسایی فرصت‌های کارآفرینی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان، چنین نتیجه‌گیری کردند که در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان در ۹ حیطه کشاورزی، دام‌پروری، صنعت، معدن، ترانزیت، صنایع دستی، انرژی‌های نو، خدمات مهندسی و گردشگری فرصت‌های کارآفرینی وجود دارد که به بهره‌برداری هوشمندانه از آن‌ها می‌توان رویکردی جدید در تثبیت و تقویت امنیت پایدار این منطقه در پیش گرفت.

عاشری و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با ارزیابی اثرات اقتصادی- اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق مرزی ادعا کرده‌اند که احداث بازارچه‌های مرزی موجب کاهش فقر، بهبود کیفیت زندگی روستاییان، ترویج فرهنگ کار و تلاش و اشتغال سالم و افزایش امنیت خواهد شد. راج و هاتک^۳ (۲۰۱۷) با تأکید بر حوزه انسانی، معتقدند شرکت‌های کوچک و متوسط برخوردار از صفت رشد دارای چالش‌های؛ نیاز به تصمیم‌گیری سریع توسط مدیران، گسترش سریع نیازها و انتظارات شغلی، نیاز به کارمند یابی و آموزش افراد جدید، تغییرات دائمی در شرکت‌ها و محدودیت‌های منابع هستند.

¹ Power House

² The National Office for the Information Economy

³ Rauch & Hatak

آیجوز^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقات خود نتیجه گرفت عوامل مختلفی از قبیل: محیط مساعد، منابع مالی، فعالیت‌های بازاریابی و فروش، به‌کارگیری مناسب فناوری اطلاعات و ... بر عملکرد و پایداری شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر دارند.

هامسبی و کورتاکو^۲ (۲۰۱۶) با تأکید بر حوزه مدیریت در توسعه کسب‌وکارهای کوچک در روستاها، دریافتند که عوامل کلیدی و ارزشمند برای موفقیت شرکت‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شود.

ونگ^۳ (۲۰۱۶) با بررسی تأثیر مدیریت اجرایی در توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در روستاها نتیجه می‌گیرد، صاحبان و مدیران کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، اقدام نای مدیریت منابع انسانی را به‌عنوان دومین فعالیت پراهمیت و مهم مدیریت (در کنار مدیریت عمومی) تلقی می‌کنند.

ویتلی^۴ و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی‌های خود با برجسته‌سازی حوزه فرهنگ بومی در کشورهای مختلف، نشان دادند در هر کشور لازم است تأثیرات فرهنگی بر سازمان‌ها و شرکت‌ها بررسی شود. سنت نای فرهنگی توسط چهار ارزش بااهمیت تبیین و تقویت می‌شوند که عبارت‌اند از هماهنگی، سلسه مراتب، جمع‌گرایی و خانواده.

نگ و سایو^۵ (۲۰۱۵) با تأکید بر حوزه سیاسی و اقتصادی در توسعه کسب‌وکارهای کوچک در مناطق مرزی و روستایی، در مطالعات خود نتیجه گرفتند که ارزش نای فرهنگی در کشورها به دلیل نوسازی و توسعه اقتصادی در حال تغییر هستند.

ورین^۶ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش تجربی خود روی ۵۰ شرکت کوچک و متوسط استرالیایی نشان دادند که اقدامات مدیریت منابع انسانی در کسب‌وکارها تحت تأثیر عواملی همچون کار گروهی، اعتماد، مشارکت، درگیرشدن، حمایت سازمانی، گرایش به یادگیری سازمانی، و توسعه مهارت کارکنان می‌باشد.

کاسیا و کالومبلی^۷ (۲۰۱۴) ضمن تأکید بر ریسک‌پذیری برای شروع و توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در روستاهای مرزی، نشان دادند ریسک‌پذیری از عوامل پیشتازی و متمایزکننده شرکت‌های کوچک و متوسط است. در جدول زیر نتایج مطالعات صورت گرفته در حوزه تعاونی‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و تأکید صاحب‌نظران بر موارد و متغیرهای مختلف ذکر شده است.

با توجه به پتانسیل‌های موجود در مناطق مرزی و همچنین عقب‌ماندگی‌های توسعه‌ای که این مناطق با آن روبرو هستند و با عنایت به اینکه «اکثر صنایع کوچک و متوسط کشور توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند» (جلائی اسفندیاری و صمیمی، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۸۹) ضروری است موانع احتمالی جذب سرمایه و ایجاد کسب‌وکار در مناطق مرزی کشور شناسایی شود. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم توسعه‌یافتگی مناطق مرزی کشور، مشکلات مربوط به سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار و کارآفرینی در مناطق مرزی است (رستم علی زاده و حسینی، ۱۳۹۸: ۳۶۱-۳۷۸). در کشوری همچون ایران که دارای ۸۵۷۴ کیلومتر مرز می‌باشد (نامی و حیدری پور، ۱۳۹۰: ۲۲۹-۲۴۸) لازم است در زمینه توسعه مناطق مرزی و ایجاد تعاونی‌ها و کسب‌وکارها، بر اساس آمایش سرزمین اقدام کرد. آمایش سرزمین عبارت است از بهره‌برداری عقلایی از امکانات، منابع و استعدادهای مناطق مختلف یک کشور و نگرشی جامع در برنامه‌ریزی است که به همه ابعاد جغرافیایی،

¹ Ijose

² Hornsby & Kuratko

³ Wong

⁴ Whiteley

⁵ Ng and Siu

⁶ Verreyne

⁷ Cassia & Colombelli

اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و... می‌پردازند (Christofakis and et al, 2019: 7-21). آمایش مناطق مرزی بر پایه نای نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی نای مناطق مرزی، موانع و عوامل توسعه و امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آن‌ها راه‌حل‌ها و راه‌کارهای یکپارچه ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. بر همین مبنا آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشور محسوب می‌شود (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۷۹).

۳- روش، تکنیک‌ها و قلمرو

این پژوهش کمی و ماهیت و هدف آن کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS به‌عنوان نرم‌افزار اصلی و از نرم‌افزار LISREL به‌عنوان نرم‌افزار کمکی برای روش تحلیل عاملی (از نوع اکتشافی) استفاده شد. جامع آماری تحقیق شامل ۲۶۰ نفر از کارشناسان و مدیران مرتبط دستگاه‌های اجرایی استان و مناطق مرزی مهران و دهلران، اساتید رشته‌های علوم اقتصادی و مدیریت دانشگاه‌های استان ایلام و فعالان اقتصادی و کارآفرینان مناطق مرزی که از این میان با استفاده از فرمول کوکران، ۱۵۵ نفر بر اساس روش نمونه‌گیری گروهی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. از مجموع نمونه انتخاب‌شده، تعداد ۱۴۰ نفر به پرسشنامه‌ها به‌صورت کامل پاسخ دادند که در تحلیل داده‌های پژوهشی مورداستفاده قرار گرفت. در جدول شماره ۱ حجم نمونه انتخابی از جوامع مختلف آمده است.

جدول ۱. جوامع پژوهش و حجم نمونه

ردیف	جامع پژوهش	حجم نمونه
۱	کارشناسان و مدیران دستگاه‌های اجرایی و مناطق مرزی استان ایلام	۵۵
۲	اساتید رشته‌های علوم اقتصادی و مدیریت دانشگاه‌های استان ایلام	۴۳
۳	فعالان اقتصادی و کارآفرینان مناطق مرزی دهلران و مهران	۵۷
۱۵۵	مجموع کل پرسشنامه‌های ارسالی	
۱۴۰	مجموع کل پرسشنامه‌های تکمیل‌شده دریافتی	

پس از بررسی تحقیقات، مطالعات و طرح‌های پژوهشی مراکز علمی، اجرایی و دانشگاهی به‌منظور به‌کارگیری مناسب ابزار تحقیق، مهم‌ترین متغیرها (گویه‌ها) استخراج شد و سپس پرسشنامه‌ای محقق ساخته با ۳۰ سؤال و با استفاده از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تهیه و در اختیار جمعیت نمونه قرار داده شد (برای اعضای نمونه ارسال پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار Google Docs انجام شد). به‌منظور تعیین نرمال بودن توزیع جامعه از آزمون کلموگرف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج آزمون در جدول شماره ۲، نشان‌دهنده نرمال بودن جامع آماری می‌باشد.

جدول ۲. آزمون کلموگرف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن توزیع جامعه

Normal parameters	
N	140
Mean	1.9
Std.Deviation	0.831
Absolute	0.312
Positive	0.221
Negative	-0.304
Kolmogorov- Smirnov	3.746
Asymp. Sig. (2 tailed)	0.000

برای پایایی گزاره‌های پژوهش، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و از روش غربال‌زنی نیز برای اعمال روایی در پرسشنامه استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ تمام گزاره‌ها، مقادیر بیشتر از ۰٫۸ داشته‌اند که نشانگر تأیید پایایی پرسشنامه می‌باشد. برای افزایش روایی علاوه بر تأیید آن از طریق غربال‌زنی، روایی صوری پرسشنامه نیز، توسط اساتید دانشگاه بازنگری و تأیید شد. از آنجاکه اساسی‌ترین کاربرد تحلیل عاملی، کاهش تعداد متغیرها به عوامل محدودتری است که معمولاً به صورت غیرمستقیم در متغیر اصلی مؤثرند؛ بنابراین، در این تحقیق نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و کاهش تعداد متغیرها از این روش استفاده شده است. با توجه به مطالعات صورت گرفته در رابطه با موضوع تحقیق و نیز با توجه به نتایج به دست آمده از سایر تحقیقات، مطالعات، مقالات و طرح‌های پژوهشی در دسترس و در نهایت مشورت با خبرگان، ۳۲ متغیر شناسایی شد که بعد از بررسی بیشتر از ۷ متغیر به نوعی جزئی از سایر متغیرها به شمار می‌رفت؛ لذا در شمولیت آن متغیر قرار گرفت.

محدوده مورد مطالعه در این تحقیق شهرستان‌های مرزی مهران و دهلران در استان ایلام است. استان ایلام دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز خاکی در غرب و جنوب غرب با کشور عراق می‌باشد، این استان به واسطه مشخصات خاص جمعیتی، مرزی و روستایی و نیز استعداد در حوزه‌های مختلف کشاورزی، دام‌پروری، تولیدات باغی و زراعی، زنبورداری و نیز حوزه گردشگری (مذهبی، تجاری، تاریخی، فرهنگی و اکوتوریسم) از زمینه‌های لازم برای توسعه تعاونی برخوردار است؛ اما موانع متعددی در این زمینه وجود دارد. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه ۱۳۹۵، جمعیت استان ایلام برابر با ۵۸۰۱۵۸ نفر بوده که در مقایسه با سرشماری نفوس و مسکن آبان ۱۳۹۰ متوسط رشد سالیانه جمعیت معادل ۰/۸ درصد بوده است. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۵۹۳۱۰ خانوار در استان ایلام وجود داشته که از این تعداد ۱۰۹۶۴۸ خانوار آن در نقاط شهری و ۴۹۵۴۲ خانوار در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. جمعیت ۵۸۰۱۵۸ نفری استان ۰٫۷۲ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده است. از کل جمعیت استان ۲۹۵۱۹۹ نفر مرد و ۲۸۴۹۵۹ نفر زن بوده‌اند. ۳۹۵۲۶۳ نفر از جمعیت استان در نقاط شهری و ۱۸۴۴۴۴ نفر در نقاط روستایی ساکن بوده و ۴۵۱ نفر نیز به صورت غیر ساکن سرشماری شده‌اند (مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۹۵). مناطق مرزی شهرستان‌های مهران و دهلران در استان ایلام با برخورداری از توانمندی‌های لازم و دسترسی به بازار مناسب با هزینه اندک (نزدیکی به مرز عراق و امکان توسعه صادرات) می‌توانند عامل تحرک اقتصادی باشند. ارائه مدلی جامع مبتنی بر دیدگاه واقع‌گرا و عملیاتی (قابل اجرا) با در نظر داشتن محدودیت‌های موجود، مورد توجه پژوهش حاضر است.

۴- یافته‌ها و تحلیل داده

آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

همان‌گونه که اشاره شد، از مجموع ۱۵۵ پرسشنامه ارسالی برای نمونه پژوهش، ۱۴۰ پرسشنامه تکمیل شده دریافت شد که داده‌های این پرسشنامه در آنالیزهای تحلیلی مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج تحلیلی-توصیفی ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان، به صورت تجمیع شده در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

ویژگی	وضعیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
جنسیت	مرد	۹۳	۶۶	۶۶
	زن	۴۷	۱۰۰	۱۰۰
طبقه سنی	۲۰-۴۰	۴۸	۳۴	۳۴
	۴۱-۵۰	۶۰	۴۳	۷۷
	بالای ۵۰	۳۲	۲۳	۱۰۰
	فوق دیپلم و پایین‌تر	۲۳	۱۶	۱۶
تحصیلات	لیسانس	۳۸	۲۷	۴۳
	فوق لیسانس	۳۲	۲۳	۶۶
	دانشجو دکترا و دکترا	۴۷	۳۴	۱۰۰
	زیر ۱۰ سال	۳۱	۲۲	۲۲
سابقه کار	۱۰ تا ۲۰ سال	۴۷	۳۴	۵۶
	۲۱ تا ۳۰ سال	۳۸	۲۷	۸۳
	بالاتر از ۳۰ سال	۲۴	۱۷	۱۰۰

تحلیل عاملی عوامل

پس از جمع‌آوری داده‌ها و وارد کردن آن‌ها در نرم‌افزار SPSS برای بررسی تناسب و کفایت نمونه‌گیری در تحلیل عاملی و همچنین تعیین انسجام درونی داده‌ها از آزمون KMO و بارتلت استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. آزمون KMO و بارتلت برای بررسی تناسب و کفایت نمونه‌گیری در تحلیل عاملی

اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO	0.963
ضریب بارتلت	8206.004
آزمون بارتلت	1.871
خی‌دو تقریبی	0.000
sig	190
درجه آزادی	

در جدول شماره ۵ اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO، آزمون مقدار واریانس درون داده‌هاست که می‌تواند به وسیله عوامل تبیین شود. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰.۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰.۵ تا ۰.۶۹ باشد، می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت؛ اما در صورتی که مقدار آن بزرگ‌تر از ۰.۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. چون مقدار KMO برابر با ۰.۹۶۳ می‌باشد؛ بنابراین، کفایت تعداد نمونه‌ها برای به کار بردن تحلیل عاملی تأیید می‌شود. از طرفی چون سطحی معنی‌داری آزمون کرویت بارتلت، کمتر از ۵ درصد است، توانایی عاملی بودن داده‌ها تأیید می‌شود. این امر تأیید می‌کند، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مناسب می‌باشد. یک تصمیم مهم در اجرای تحلیل عاملی مربوط به تعداد عوامل قابل استخراج برای چرخش می‌باشد. جهت تعیین اینکه چند عامل مناسب برای چرخش وجود دارد، از ملاک‌های مختلفی از جمله ملاک کیسر^۱ و آزمون اسکری کتل^۲ استفاده می‌شود. در این پژوهش برای تعیین تعداد عوامل از روش کیسر استفاده شده

^۱ Kaiser criterion

^۲ Cattell's Scree Test

است. برپایه این ملاک، عواملی که دارای ارزش ویژه ۱ یا بیشتر می‌باشند، به‌عنوان عوامل قابل‌استخراج تعیین می‌شوند و عواملی که دارای مقادیر ویژه کمتر از ۱ هستند، عامل‌هایی می‌باشند که حضور آن‌ها باعث تبیین بیشتر واریانس نمی‌شود و به همین دلیل از تحلیل خارج می‌شوند. در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، ۴ عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک و قابل‌استخراج هستند.

جدول ۵. شاخص‌های آماری با استفاده از روش تحلیل عوامل اصلی

مجموع مجذورات بارهای استخراج‌شده پس از چرخش			عوامل
ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس	
5.103	33.127	33.127	عامل ۱: فردی، اجتماعی و فرهنگی
4.9	22.014	55.141	عامل ۲: اداری و حمایتی
4.118	20.199	75.34	عامل ۳: مالی و اقتصادی
1.807	17.332	92.672	عامل ۴: امنیتی و سیاسی

هرچند مقادیر ویژه و درصدهای آن در حالت بعد از چرخش نسبت به حالت اولیه تغییر کرده‌اند؛ اما درصد تجمعی واریانس تبیین‌شده به‌وسیله تمام عناصر استخراج‌شده برابر با حالت اولیه (قبل از چرخش) است. در مجموع می‌توان گفت، این چهار عامل ۹۲/۶۷۲ درصد از واریانس کل متغیرها را تحت پوشش قرار می‌دهند. با به‌دست آمدن وضعیت مقادیر ویژه، امکان به‌دست آمدن ماتریس اجزا فراهم می‌شود. همان‌گونه که بیان شد، ۳۲ متغیر شناسایی شد که بعد از بررسی بیشتر، ۷ متغیر به‌نوعی جزئی از سایر متغیرها به شمار می‌رفت، لذا در شمولیت آن متغیر قرار گرفت؛ و درنهایت ۲۵ متغیر معرفی شد؛ بنابراین، ماتریس اجزا در این پژوهش شامل بارهای عاملی هریک از ۲۵ متغیر شناسایی‌شده در ۴ عامل اصلی (ضرایب همبستگی بین متغیرها در عوامل) است. از آنجایی که تفسیر این بارهای عاملی بدون چرخش به‌آسانی ممکن نیست، با چرخش عوامل تفسیر بهتری از آن می‌توان ارائه داد. جدول شماره ۶ ماتریس چرخیده شده اجزا را به روش واریماکس نشان می‌دهد. این جدول میزان همبستگی هر عامل با متغیرهای سی‌گانه را نشان می‌دهد.

جدول ۶. بار عاملی بعد از چرخش واریماکس

متغیر	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	متغیر	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
X ₁					X ₁₄				
X ₂					X ₁₅				
X ₃					X ₁₆				
X ₄					X ₁₇				
X ₅					X ₁₈				
X ₆					X ₁₉				
X ₇					X ₂₀				
X ₈					X ₂₁				
X ₉					X ₂₂				
X ₁₀					X ₂₃				
X ₁₁					X ₂₄				
X ₁₂					X ₂₅				
X ₁₃					---				

با مشخص شدن بار عاملی متغیرها بعد از چرخش واریماکس، می‌توان نسبت به تعیین عوامل و متغیرهای تعیین‌کننده آن و میزان همبستگی متغیرهای هریک از عوامل (بار عاملی) اقدام کرد. در جدول شماره ۷ با تفکیک عوامل، میزان همبستگی متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۷. عوامل تعیین‌کننده و بار عاملی متغیرها

شمار عامل	نام عامل	کد متغیر	متغیرهای تعیین‌کننده عامل (گویه‌ها)	بار عاملی
۱	عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی	X ₂	عدم تمایل به نوگرایی و تغییر	0.904
		X ₅	ضعف در کار گروهی و تیمی	0.83
		X ₁₀	کمبود روحیه مهارت‌پذیری	0.8
		X ₁₁	ترس از ریسک و شروع کسب‌وکار جدید	0.741
		X ₁₅	ماندگاری پایین تعاونی‌های غیر خانوادگی	0.708
		X ₁₈	عدم پشتکار و تحمل ابهام	0.633
		X ₂₁	ضعف در تصمیم‌گیری و توان مدیریتی	0.512
		X ₂₂	عدم وجود افراد باتجربه در حوزه تعاون به‌عنوان راهنما	0.497
		X ₂₅	ضعف در ارتباطات و نبود تعامل	0.43
		X ₆	کمبود زیرساخت‌های فنی و ارتباطی و تجهیزاتی	0.874
		X ₇	نبود آموزش‌های هدفمند، مؤثر	0.712
۲	عوامل اداری و حمایتی	X ₈	عدم آشنا سازی جامعه با ساختار تعاونی‌ها	0.648
		X ₁₂	عدم‌حمایت در حوزه بازاریابی و فروش	0.6
		X ₁₄	بروکراسی اداری برای تأسیس تعاونی	0.59
		X ₁₇	رویکرد سخت‌افزاری به مرزها	0.48
		X ₂₀	نبود حمایت‌های مشاوره‌ای و مراکز تخصصی	0.407
		X ₂₄	عدم وجود برنامه جامع توسعه تعاونی در مرزها	0.4
		X ₁	مشکل در تأمین مالی	0.84
۳	عوامل مالی و اقتصادی	X ₄	زمان‌بر و سخت بودن دریافت تسهیلات مناسب بانکی	0.607
		X ₁₃	عدم دسترسی مناسب به بازارهای تأمین مواد اولیه و نهاده	0.548
		X ₁₉	نبود صنایع پشتیبان و صنایع فرآوری برای ایجاد ارزش‌افزوده	0.5
		X ₂₃	وجود تورم و عدم ثبات قیمت‌ها	0.433
		X ₃	نگاه غالب امنیتی و سیاسی به مرزها	0.521
۴	امنیتی و سیاسی	X ₉	محدودیت‌های خاص مرزی و عدم ایجاد تعاملات بین مرزی	0.486
		X ₁₆	مشکلات مربوط به مالکیت اراضی و موانع معارضی	0.4

۵- بحث و فرجام

توسعه و پیشرفت مناطق مرزی در حوزه‌های اقتصادی و حتی سایر حوزه‌ها، نیازمند سرمایه‌گذاری است. به عبارتی، رشد و توسعه اقتصادی بدون انباشت سرمایه‌گذاری، امکان‌پذیر نخواهد بود، به‌گونه‌ای که بیشتر متفکران، دلیل توسعه‌نیافتگی بسیاری از کشورها را کمبود درآمد، پس‌انداز و در نتیجه، سرمایه‌گذاری ناکافی می‌دانند. مرزها تعیین‌کننده حدود و قلمرو جغرافیایی حاکمیت، صلاحیت و مالکیت یک حکومت سیاسی هستند و کشورها و دولت‌ها را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کنند. کشورهای درگیر با مسائل ناامنی در مناطق مرزی دریافته‌اند که به دلایل مختلف از جمله فقر و تنگدستی، ناامنی گسترش‌یافته و این ناامنی به‌طور مستقیم به کل کشور منتقل شده است. هرگونه ناامنی در مرز می‌تواند در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند. در مقابل امنیت مطلوب می‌تواند در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد. کسب‌وکارهای کوچک به‌واسطه سادگی در ساختار سازمانی، از انعطاف‌پذیری فراوانی در برابر تغییرات و سرعت قابل قبولی در انجام فعالیت‌ها برخوردارند. براین اساس تعاونی‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش نیروی کار ماهر هستند و تأمین نیروی انسانی متخصص

برای شرکت‌های بزرگ، به‌وسیله آن‌ها انجام می‌شود. بر اساس تجارب بسیاری از کشورها، شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند بنیان توسعه اقتصادی و منطقه‌ای باشند و زمینه را برای بسیج منابع کشور فراهم کنند که نتیجه آن، افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در سطوح ملی و منطقه‌ای است. استان ایلام دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز خاکی در غرب و جنوب غرب با کشور عراق می‌باشد. و با توجه به وضعیت اقتصادی، زیرساخت‌های ارتباطی، تبادلات بازرگانی و وجود بازارچه‌های مرزی، مستعد گسترش تعاونی‌ها و شرکت‌های کوچک و متوسط کارآفرین است. این استان به‌واسطه مشخصات خاص جمعیتی، مرزی و روستایی و نیز استعداد در حوزه‌های مختلف کشاورزی، دام‌پروری، تولیدات باغی و زراعی، زنبورداری و نیز حوزه گردشگری (مذهبی، تجاری، تاریخی، فرهنگی و اکوتوریسم) از زمینه‌های لازم برای توسعه تعاونی برخوردار است؛ اما موانع متعددی در این زمینه وجود دارد. در این پژوهش تلاش شد به این موانع جهت ارائه دیدگاهی جامع و کل‌نگر به‌منظور مدیریت و سیاست‌گذاری و رفع محدودیت‌ها و موانع پرداخته شود. در این پژوهش جمعاً ۲۵ مانع عمده در زمینه توسعه تعاونی در مناطق مرزی شناسایی شدند که پس از به کار بردن تحلیل عاملی، برای تعیین تعداد عوامل از روش کیسر استفاده شد. برپایه این ملاک، ۴ عامل دارای ارزش ویژه بالای ۱ شناسایی و به‌عنوان عوامل قابل‌استخراج تعیین شدند (عوامل فردی و اجتماعی و فرهنگی، عوامل اداری و حمایتی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل امنیتی و سیاسی). با توجه به شاخص‌های آماری با استفاده از روش تحلیل عوامل اصلی، این ۴ عامل در مجموع ۹۲٫۶۷۲ درصد از واریانس کل متغیرها را توانستند تبیین کنند. بعد از انجام چرخش واریماکس، مشخص شد که هرکدام از ۴ عامل اصلی با کدام متغیرها (گویه‌ها)، همبستگی بالاتری را نشان می‌دهند و سپس با توجه به محتوای عوامل و در نظر گرفتن ادبیات و پیشینه تحقیق، هرکدام از این عوامل اصلی تحت عناوینی نام‌گذاری شدند. نتایج پژوهش نشان داد عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی با مجموع بار عاملی ۶٫۰۵۵، عوامل اداری و حمایتی با مجموع بار عاملی ۴٫۷۱۱، عوامل مالی و اقتصادی با مجموع بار عاملی ۲٫۹۲۸ و عوامل امنیتی و سیاسی با مجموع بار عاملی ۱٫۴۰۷ به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه تعاونی‌ها در مناطق مرزی می‌باشند.

عامل اول: عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی

این عامل دارای ۹ متغیر (عدم تمایل به نوگرایی و تغییر، ضعف در کار گروهی و تیمی، کمبود روحیه مهارت‌پذیری، ترس از ریسک و شروع کسب‌وکار جدید، ماندگاری پایین تعاونی‌های غیر خانوادگی، عدم پشتکار و تحمل ابهام، ضعف در تصمیم‌گیری و توان مدیریتی، عدم وجود افراد باتجربه در حوزه تعاون به‌عنوان راهنما، ضعف در ارتباطات و نبود تعامل) با مجموع بار عاملی ۶٫۰۵۵ است که بیشترین درصد واریانس را در بین ۴ عامل استخراجی توضیح می‌دهد (۳۳٫۱۲۷ درصد). مهم‌ترین متغیر (گویه) عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی؛ عدم تمایل به نوگرایی و تغییر با بار عاملی ۰٫۹۰۴ می‌باشد.

این عامل با تحقیقات حسینی نیا و زراعت کن (۱۳۹۷)^۱، لاککن^۱ (۲۰۰۳)، لاندسترام^۲ (۲۰۱۵) و فیربایرن^۳ (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

عامل دوم: عوامل اداری و حمایتی

این عامل دارای ۸ متغیر (کمبود زیرساخت‌های فنی و ارتباطی و تجهیزاتی، نبود آموزش‌های هدفمند، مؤثر، عدم آشنا سازی جامعه با ساختار تعاونی‌ها، عدم حمایت در حوزه بازاریابی و فروش، بروکراسی اداری برای تأسیس تعاونی، رویکرد سخت‌افزاری به مرزها، نبود حمایت‌های مشاوره‌ای و مراکز تخصصی، عدم وجود برنامه جامع توسعه تعاونی در مرزها) با مجموع بار عاملی ۴٫۷۱۱ است که ۲۲٫۰۱۴ درصد از واریانس کل

¹ Laukkanen

² Landstrom

³ Fairbairn

را تبیین می‌کند. مهم‌ترین متغیر (گویه) عوامل اداری و حمایتی، کمبود زیرساخت‌های فنی و ارتباطی و تجهیزاتی با بار عاملی ۰,۸۷۴ می‌باشد. این عامل با تحقیقات فراهانی و همکاران (۱۳۹۳)، راسل^۱ و همکاران (۲۰۰۵)، لاندستروم^۲ و همکاران (۲۰۱۵) و بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی دارد.

عامل سوم: عوامل مالی و اقتصادی

این عامل دارای ۵ متغیر (مشکل در تأمین مالی، زمان‌بر و سخت بودن دریافت تسهیلات مناسب بانکی، عدم دسترسی مناسب به بازارهای تأمین مواد اولیه و نهاده، نبود صنایع پشتیبان و صنایع فرآوری برای ایجاد ارزش افزوده، وجود تورم و عدم ثبات قیمت‌ها) با مجموع بار عاملی ۲/۹۲۸ است که ۲۰,۱۹۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. مهم‌ترین متغیر (گویه) عوامل مالی و اقتصادی، مشکل در تأمین مالی با بار عاملی ۰,۸۴ می‌باشد.

این عامل با تحقیقات تاجری و همکاران (۱۴۰۰)، حافظ نیا و جان‌پرور (۱۳۹۶)، پرکمن^۳ (۲۰۰۳) و ویلکینسون و برودرس^۴ (۲۰۲۰) همخوانی دارد.

عامل چهارم: عوامل امنیتی و سیاسی

این عامل دارای ۳ متغیر (نگاه غالب امنیتی و سیاسی به مرزها، محدودیت‌های خاص مرزی و عدم ایجاد تعاملات بین مرزی، مشکلات مربوط به مالکیت اراضی و موانع معارضی) با مجموع بار عاملی ۱/۴۰۷ است که ۱۷,۳۳۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. مهم‌ترین متغیر (گویه) عوامل امنیتی و سیاسی، نگاه غالب امنیتی و سیاسی به مرزها با بار عاملی ۰,۵۲۱ می‌باشد.

این عامل با تحقیقات محمدی و همکاران (۱۴۰۱)، محمد پور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی (۱۳۹۴)، صدیق و همکاران (۱۳۹۵)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) و پناهی و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی دارد.

۶- منابع

بذرافشان، جواد؛ طولابی نژاد، مهرشاد؛ حملی، نجمه (۱۳۹۷). بررسی عوامل و محرک‌های تغییر الگوی معیشت روستاهای مناطق مرزی، مورد مطالعه: دهستان مینان، شهرستان سراباز، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، دوره ۱۸ شماره ۴۳، صص ۱۲۷-۱۵۰.

پناهی، حمید؛ امینی، داود؛ اصانلو، علی (۱۴۰۰). تحلیلی بر شاخص‌های آمایش مرز در پیاده‌سازی و اجرای طرح‌های امنیتی مرز مطالعه موردی: مرزهای شمال غرب کشور، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۳۰، شماره ۱۱۹، صص ۱۴۱-۱۵۸.

تاجری، رسول؛ بیگ بابایی، بشیر؛ آذر، علی (۱۴۰۰). تبیین مدل توسعه پایدار در مناطق مرزی با تأکید بر مؤلفه‌های شهر هوشمند، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۹، شماره ۴، صص ۸۹-۱۰۴.

جلائی اسفندیاری، سید عبدالمجید؛ صمیمی، سپیده (۱۳۹۳). بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران (در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی نظام)، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره هفتم، صص ۸۹-۱۰۹.

حافظ نیا، جان‌پرور؛ محمدرضا، محسن (۱۳۹۶). مرزها و جهانی شدن (با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران)، چاپ دوم، تهران،

¹ Russel

² Landstrom

³ Perkamann

⁴ Wilkinson and Brouters

نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حسینی نیا، غلامحسین؛ زراعت کن، حامد (۱۳۹۷). شناسایی فرصت‌های کارآفرینی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان، پژوهشنامه مطالعات مرزی، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۲۵-۱۳۸.

حیدری، محسن؛ بدیع زاده، علی؛ حیدر زاده هنزائی، کامبیز (۱۳۹۹). طراحی مدل توسعه اکوسیستم کارآفرینی در مناطق مرزی: مطالعه‌ای در استان کردستان، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صص ۲۹-۵۹.

ذکی، یاشار؛ پاشالو، احمد (۱۳۹۳). بررسی کاربرد بازارچه‌های مرزی آذربایجان غربی، همایش ملی مرزن‌شنی، توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، پارس‌آباد مغان.

رستم علی زاده، ولی اله؛ حسینی، قربان (۱۳۹۸). موانع سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در منطق مرزی روستایی ایران، فصلنامه توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره یازدهم، شماره ۲، صص ۳۶۱-۳۷۸.

رضایی، علی (۱۳۸۰). چون و چرا بازارچه‌های مرزی، ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی، شماره ۴ دوره ۳۶، صص ۱۲-۲۳
صدیق، مهدی؛ صدیق، محد؛ اکبری، مهناز (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر امنیت شهرهای مرزی در استان آذربایجان غربی، فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره ۵ شماره ۱۷، صص ۱-۲۲.

عزتی، نصراله؛ حیدری پور، اسفندیار؛ اقبالی، ناصر (۱۳۹۰). نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۷۹-۱۹۷.

علی پور، حسین؛ حیدری ساریان، وکیل؛ حیدری، سالار (۱۳۹۵). نقش سرمایه اجتماعی در تقویت امنیت مرزی (مورد مطالعه: منطقه مرزی گرمی)، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۴، شماره ۳ (پیاپی ۱۲)، صص ۱۵۷-۱۷۴.

قاسمی، فرید؛ حاتمی نژاد، حسین؛ زیاری، کرامت الله؛ پوراحمد، احمد؛ زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۹۹). آینده‌نگاری حکمروایی شهرهای کوچک مرزی مطالعه موردی: شهرهای مرزی اورامان تخت و سروآباد، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۹-۳۴.

قنبری، رضوان؛ آگهی، حسین؛ علی بیگی، امیرحسین؛ زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۵). واکاوی محتوای سیاست‌ها در تطابق با ابعاد اکوسیستم کارآفرینی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره ۱، دوره ۹، صص ۳۹-۵۸.

محمد پور زرنندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سید محسن (۱۳۹۴). جایگاه آموزش در توسعه پایدار شهری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال سوم، شماره دهم، صص ۱۱۱-۱۲۵.

محمدحسن، نامی؛ حیدری پور، اسفندیار (۱۳۹۱). الگوی جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول مرزهای کشور ایران، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۲۹-۲۴۸.

محمدی، رضا؛ کرکه آبادی، زینب؛ میری، غلامرضا (۱۴۰۱). تبیین تعاملات شهر و مرز با رویکرد توسعه پایدار بر اساس منطق تصمیم‌گیری چند معیاره فازی مطالعه موردی: شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و دوم، شماره ۶۴، صص ۲۴۷-۲۶۸.

Borissenko, J. & Boschma, R. (2017). A critical review of entrepreneurial ecosystems research: towards a future research agenda: Lund University, CIRCLE Center for Innovation, Research and Competences in the Learning Economyo. Document Number).

Christofakis, Manolis; Gaki, Eleni; Lagos, Dimitrios.(2019), The impact of economic crisis on regional disparities and the allocation of economic branches in Greek regions, Bulletin of Geography. Socio.economic Series, 44(44), pp 7-21.

- Elenurm, T. Ennulo, J. and Laar, J. (2012). "Structure of Motivation and Entrepreneurial Orientation in Students as the Basis for Differentiated Approach in Developing Human Resources for Future Business Initiatives", Estonian business school review, No.13, pp 62-75.
- Fairbairn, B; June, B; Murray, F. (2018). Co-operatives and Community Development: Economics in Social Perspective. Centre for the Study of Co-operatives. Saskatoon, Saskatchewan, pp. 245-257.
- Khattab, I & Osman Almagli, Omar, (2017), Towards an Integrated Model of Entrepreneurship Ecosystem, Journal of Business & Economic Policy, Vol. 4, No. 4., pp 33-51.
- Landstrom, H. (2015). Pioneers in Entrepreneurship and Small Business Research, Springer. pp.137-154
- Laukkanen Mauri (2003). "Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university-based business", Journal of Small Business and Enterprise Development, Volume 10 Number 4, pp.372-382
- Laukkanen Mauri (2003). "Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university-based business", Journal of Small Business and Enterprise Development, Volume 10 Number 4, pp.372-382
- Nebuhr, A (2005), the impact of EU enlargement on European border region HWWA Discussion. pp. 15-34.
- Perkamann, M. (2003). Cross – Border Regions in Europe, Significance and Drivers of Regional Cross– Border Cooperation, European Urban and Regional Studies, Vol. 10, Na 2, pp 156-167.
- Russel S. Sobel and Kerry A. King (2008). Does school choice increase the rate of youth entrepreneurship? Economics of Education Review 27, pp. 429-438, Elsevier.
- Svetlicic, M; Gilmore, A; Cummins, D. (2017). Internationalization of Small and Medium – size Enterprises from selected central European economies. Eastern European Economics, 45 (4). pp.214-239
- Thurik, R. 2003. Entrepreneurship and Unemployment in the UK. Scottish Journal of Political Economy 50(3): 264-290.
- Wilkinson, T; Brouthers, L. E. (2020). Trade promotion and SME export performance. International Business Review, pp. 20-35.